

بررسی ساختار نهاد خانواده در دوره ساسانی به استناد کتاب ارداویراف نامه

علی ربیع زاده^۱

دکتر میرزا محمد حسنی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۷

چکیده

ارداویرافنامه یک متن پهلوی است، که در دوره ساسانی حدود ۱۴۰۰ تا ۱۷۰۰ سال قبل نگاشته شده، این کتاب شرح معراج موبدی به نام ارداویراف می‌باشد که با خوردن می و مگ به جهان روحانی می‌رود و شرح سفرش را دبیری کتابت می‌کند، این اثر احتمالاً در اواسط قرن پنجم میلادی (عصر انوشیروان) به زبان پهلوی نگارش یافته و جزو کتب دینی زرتشتیان به شمار می‌رفته است، در این مقاله نهاد خانواده در ارداویرافنامه از نگاهی آماری مورد بررسی قرار گرفته است، هدف از این تحقیق آن است که دیدگاه جامع و روشنی درباره این نهاد به دست آید تا در سایه آن، دیدگاه روشنتری درباره نهاد خانواده در دوره ساسانی و زرتشتیان آن دوره که معاصر با زمان نوشتار کتاب هستند حاصل شود، نتیجه ای که از این تحقیق گرفته شده است این است که نهاد خانواده در ارداویرافنامه مطابق مطالب مندرج در کتاب کاملاً منطبق و همسو با نهاد خانواده در دوره ساسانی است و این نشان می‌دهد که کتاب ارداویرافنامه می‌تواند به عنوان یک منبع معتبر جهت بررسی وضعیت اجتماعی دوره ساسانی مورد استفاده محققین قرار گیرد. شیوه تحقیق در این مقاله اسنادی کتابخانه ای و ابزار کار فیش برداری می‌باشد.

کلید واژه ها: نهاد خانواده، ارداویرافنامه، ساسانی، دین زرتشت، متون پهلوی

^۱ کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان از دانشگاه آزاد شاهرود و دبیر آموزش و پرورش دامغان a506506506@gmail.com

^۲ استادیار دانشگاه آزاد شاهرود mohamadhassani68@yahoo.com

مقدمه

ارداویرافنامه کتابیست در زمینه کشف و شهود و پیشگویی که برای نخستین بار به خط و زبان پهلوی ساسانی نگاشته شده است، این کتاب شرح معراج ارداویراز یا ارداویراف و درزبان اوستایی اشته و ویرازه به جهانی دیگر است، «این سیر و سلوک از نوع سفر شمنی است و قابل تطبیق با کتیبه معراجنامه کرتیر موبد قدرتمند ساسانی در سر مشهد کازرون می‌باشد»^۱. مطابق متن کتاب، ۳۰۰ سال پس از ظهور زرتشت، اسکندر یونانی به ایران می‌تازد و کتب اوستا و زند را در استخر پارس در آتش می‌سوزاند و هیربدان را می‌کشد و میان بزرگان اختلاف می‌اندازد، پس از وی چون مردم در قوانین دین به شک می‌افتند، انوشه روان آذر باد ماراسپندان زاده می‌شود، موبدان بر سینه او روی گذاشته می‌ریزند (نوعی آزمایش دینی) و او حقیقت دین را به آنها باز می‌گوید، بار دیگر مردم در شک می‌افتند پس همه مردم را گرد می‌آورند و از بین آنان ۷ تن و از ۷ تن ۳ تن و از ۳ تن یک تن را برمی‌گزیند که نامش ویراز است و با نیزه آزمایش دینی می‌کنند که پیروز از میدان درمی‌آید، او ۷ خواهر داشت که زاری کردند و گفتند: ما چون سقیم با ۷ تیر و یک ستون که ویراز است، و اگر این ستون بیافتد مانیز نابود خواهیم شد (فصل ۲)؛ اما موبدان آنان را دلداری دادند که ویراز را تندرست پس از ۷ روز باز می‌آورند، ویراز سرو تن خود می‌شوید و خورا ک و می و منگ می‌خورد و نیایش می‌کند و می‌خواهد و روانش به عالم بالا می‌رود، در طول این سفر روحانی دو ایزد سروش و آذر راهنمایی او را بر عهده داشتند، موبدان ۷ شبانه روز در کنار وی اوستا و زند می‌خوانند تا روانش به جسمش باز گردد، ویراز پس از بازگشت از عالم ملکوت آنچه دیده بود از چینود پل و دوزخ و گرزمان بازمی‌گوید و ودبیر می‌نویسد؛ « کتاب به نثری ساده نوشته شده و مطالب آن بسیار قدیمی به نظر می‌رسد، «منتقدین این اثر را با تالیف بسیار دلکش و ارزشمند دانته ایتالیایی به نام کمدی الهی مقایسه کرده و معتقدند که وی به طور غیر مستقیم و از طریق منابع یهودی و عربی با اعتقادات ایرانیان درباره دنیای پس از مرگ آشنا شده بود. «^۲ البته این آشنایی غیر مستقیم بوده و شواهدی درباره دسترسی دانته به متن ارداویرافنامه یافت نشده است.

نسخه اولیه ارداویرافنامه را به دوره اردشیر بابکان نسبت می‌دهند، در متن پهلوی کتاب به عنوان تفسیر آمده که ویراف همان وه شاپور موبد مشهور عهد خسرو انوشیروان است که احتمال می‌رود

نسخه پهلوی کتاب در دوره این پادشاه که یک دوره نهضت ادبی بوده نوشته شده باشد البته نام ویراف در اوستا نیز آمده است.

ارداویرافنامه تاکنون سه بار به زبان فارسی ترجمه شده است که آخرین آن کار ژاله آموزگار با همکاری فیلیپ ژینیو (Philippe Gignoux) می‌باشد و واژه نامه ای نیز توسط فریدون وهمن برای آن تهیه شده است.

درباره پیشینه تحقیق باید اعتراف شود که تاکنون تحقیقی همه جانبه بر روی تمامی ساختارهای ارداویرافنامه انجام نگرفته است و تحقیقاتی که تاکنون انجام گرفته موردی بوده و بخشی از ساختارهای کتاب را در بر می‌گرفته، سیر این تحقیقات به ترتیب زمانی عبارتند از:

- رشید یاسمی در سال ۱۳۱۴ و عقیقی در سال ۱۳۴۲ و مهرداد بهار در سال ۱۳۶۲ و ژاله آموزگار در سال ۱۳۷۲، هر یک جداگانه ارداویرافنامه را به فارسی ترجمه کرده اند و هریک در ابتدای کتاب خود نقدهایی درباره آن نوشته اند.

- محمد معین در کتاب یادنامه پور داوود (چاپ تهران، ۱۳۲۵)، متن کامل ارداویرافنامه را آورده و آن را نقد کرده است.

- مهرداد بهار تحقیقات گسترده ای درباره ارداویرافنامه انجام داده است از جمله جایگاه زن را در ارداویرافنامه مورد بررسی قرار داده و همچنین بهشت و دوزخ را در این کتاب بررسی کرده و ترجمه کامل آن را در کتابی تحت عنوان: پژوهشی در اساتیر ایران آورده است.

- دکتر ژاله آموزگار متن پهلوی ارداویرافنامه را به همراه ترجمه فارسی آن در سال ۱۳۷۱ منتشر کرده و نقدی نیز در ابتدای کتاب خود نوشته است.

علاوه بر این مولفین، افراد دیگری نیز به صورت پراکنده مقالاتی را در باره محتوای کتاب ارداویرافنامه نوشته اند که خود موجب اشتهار و معروفیت بیشتر این اثر شده و هر کدام گوشه‌های تاریکی از این اثر را روشن کرده اند.

به دلیل گستردگی و حجم زیاد این تحقیقات تنها به معرفی برخی از آنها بسنده می‌کنیم:

- سعید محمدی و جلیل نظری، معراج در ارداویرافنامه را با معراج در رساله الغفران با یکدیگر مقایسه کرده اند و نقاط تشابه و تفاوت بین آنها را بیرون کشیده اند، این دو نتایج تحقیق خود را در فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات تطبیقی، شماره ۸ چاپ کرده اند.

- محمد رضایی راد و شهروز خردمند، مشترکا مقاله ای تحت عنوان خردمند شهر و ارداویرافنامه در نشریه صحنه پاییز ۸۰ به چاپ رسانده اند.

- فریدون وهمن روی واژه نامه ارداویرافنامه کار کرده و آن را در سال ۱۳۵۵ در بنیاد فرهنگ ایران در تهران به چاپ رسانده است.

- مصطفی دهقان و رحیم عقیفی مشترکا به نقد و بررسی کتاب ارداویرافنامه پرداخته اند و مقاله ای تحت عنوان: بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنی را در نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا در سال ۱۳۶۳ نگاشته اند.

- مهدی کارگر به نقد و بررسی کتاب ارداویرافنامه پرداخته و مقاله ای تحت عنوان در آمدی بر ارداویرافنامه در نشریه کتاب ماه ادبیات و فلسفه در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسانده است.

- سیما سلطانی در فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) که در پاییز ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است با ارائه مقاله ای تحت عنوان گناهان زنان در ارداویراف نامه به بررسی بخشی از ملاکهای اخلاقی موجود در کتاب پرداخته است.

- مرضیه کسرابی و حسن ابراهیمی مشترکا در مقاله ای در دو فصلنامه ادیان و عرفان که در پاییز و زمستان ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است به بررسی نمادگرایی در سیرالعباد الی المعاد سنایی و ارداویراف نامه پرداخته اند.

این محققین تنها به تشریح بخشهای کوتاهی از این اثر مهم تاریخی پرداخته اند و از ارائه سیمای کلی این اثر تاریخی خودداری کرده اند در این تحقیق سعی شده است با بررسی نهاد خانواده در ارداویرافنامه چهره کاملتر و سیمای روشن تری از این کتاب به دست آید، در این مقاله نهاد خانواده در این منبع دوره ساسانی از نگاه آمار مورد بررسی قرار می گیرد و جایگاه آن در کتاب و همچنین کارکردهای فرهنگی، مذهبی و اقتصادی آن بررسی می شود، پرسش اصلی که

در این تحقیق ارائه شده این است که: آیا ویژگی‌های نهاد خانواده در ارداویرافنامه همسو با جایگاه آن در دوره ساسانی است؟ و فرضیه ای که باید اثبات گردد، بدین گونه بیان می‌شود: به نظر می‌رسد تصویر نهاد خانواده در ارداویرافنامه به گونه ای است که با مختصات نهاد خانواده در عصر ساسانی برابری می‌کند.

هدف از این تحقیق آن است که دیدگاه جامع و روشنی درباره این نهاد به دست آید تا در سایه آن، دیدگاه روشنتری درباره نهاد خانواده در دوره ساسانی و زرتشتیان آن دوره که معاصر با زمان نوشتار کتاب هستند حاصل شود.

روش تحقیق در این مقاله اسنادی_کتابخانه ای برپایه تحلیل محتوا می‌باشد و ابزار کار نیز فیش برداری می‌باشد.

فصل بندی کتاب

کتاب به ۱۰۱ فصل تقسیم شده است، در فصل‌های ۱ تا ۳ چگونگی فراهم آمدن مقدمات سفر ویراز پارسا را به جهان دیگر شرح داده است، فصل‌های ۴ تا ۱۵ شرح مشاهدات ویراف و توصیف انواع پارسایان و پادشاه‌های آنان در جاهای گوناگون بهشت و نیز توصیف دوزخ است، از فصل ۱۶ تا پایان کتاب که بخش بیشتر کتاب را در برمی‌گیرد به توصیف دوزخ و گناهکاران و عقوبت‌های آنان اختصاص دارد گناهانی مانند: همجنس بازی (فصول ۱۹ و ۲۱)، عدم رعایت آداب دستان زنان (فصول ۲۰ و ۲۲ و ۲۶)، کشتن مرد پارسا (فصل ۲۱)، همخوابگی با زن دستان (فصل ۲۲)، بی‌احترامی به خرداد و امرداد (فصل ۲۳)، روسپیگری (فصول ۲۴ و ۸۱)، ایستاده ادرار کردن (فصل ۲۵)، نافرمانی از شوی (فصول ۲۶ و ۳۰ و ۳۳ و ۸۳)، گرانفروشی و تقلب در معامله (فصول ۲۷ و ۴۹ و ۶۷ و ۸۰)، ندادن مزد مزدوران (فصل ۳۹) و ...؛ در پایان کتاب (فصل ۱۰۱) آمده است که ویراز به حضور خداوند می‌رسد و خداوند توسط او پیامی به مردمان جهان مادی می‌فرستد.

از لحاظ آماری ۵۷ درصد از محتوای فصول به توصیف جرایم اختصاص یافته و ۴۳ درصد نیز به مجازات‌های منطبق اختصاص یافته است، همچنین بالاترین درصد محتوای مطالب کتاب به مطالب فرهنگی و اجتماعی اختصاص یافته (بیش از ۸۰ درصد) و محتوی اقتصادی و سیاسی کتاب درصد کمی را به خود اختصاص داده است (کمتر از ۲۰ درصد).^۳

خانواده در دوره ساسانی

خانواده از نگاه جامعه شناسی کوچکترین نهاد اجتماعی است که در همه جوامع دیده می‌شود، این نهاد کوچک از یک زن و یک مرد و فرزندان تشکیل شده است، خانواده در گسترده ترین معنای خود، اشاره بر اقوام و خویشاوندانی دارد که با هم زندگی می‌کنند و یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند، کودکانی که به فرزندنی خانواده پذیرفته شده اند نیز شامل این واحد اجتماعی می‌شوند، « بر اساس تعریف جامعه شناسان، خانواده شامل دو یا تعداد بیشتری از افرادی است که با هم زندگی می‌کنند و ارتباط آنها ارتباطی خونی و یا از طریق ازدواج است، بر اساس چنین تعریفی، یک زن و شوهر و یا دو خواهر که با هم زندگی می‌کنند نیز یک خانواده به شمار می‌آیند.»^۴

جامعه شناسان انواع گوناگونی از خانواده را معرفی کرده اند در این میان دوگونه خانواده مهمی را که در این مقاله بررسی خواهیم کرد، خانواده هسته ای و گسترده می‌باشند، «خانواده هسته ای عبارت است از زندگی مشترک یک زن و مرد با فرزندان آنها، خانواده گسترده همان خانواده هسته ای است که تقریباً همیشه والدین همسران به آن افزوده شده است، خانواده گسترده را اغلب خویشاوندی می‌نامند.»^۵ شکل غالب خانواده در دوره ساسانی نیز همین دو نوع می‌باشد که تا عصر حاضر نیز دوام آورده است، هر چند که امروزه کفه ترازو به نفع خانواده هسته ای پایین رفته و خانواده گسترده جز در جوامع عشایری و روستایی دیده نمی‌شود، در دوره ساسانی مانند امروزه برای ازدواج داماد باید با اعلان رضایت پدر از دختر خواستگاری میکرد، و در صورت راضی بودن دختر می‌توانست با وی ازدواج کند، به گزارش استرابون ازدواج در اعتدال بهری شب و روز (نوروز) انجام می‌گرفت و مرد در روز عروسی تنها حق خوردن یک سیب یا مغز یک شتر را داشت، هرودوت سن ازدواج را برای مردان ۲۰ سالگی میدانند ولی در اوستا سن ازدواج دختران و پسران را یکسان دانسته و ۱۵ سالگی را به عنوان سن بلوغ معرفی می‌کند.^۶

در آن دوره ازدواج در چندین شکل صورت می‌گرفت که عبارت بودند از:

۱- پادشاه زن که ازدواج یک دختر و پسر بالغ برای نخستین بار با اجازه پدر و مادر بود و برترین نوع ازدواج بود^۷ ۲- ایوک زن، وقتی که پدر دختری دارای فرزند پسر نبود با این شرط به ازدواج مردی در

می‌آمد، که نخستین پسر آنها، پسر پدر خود تلقی نشود، بلکه پسر و وارث پدر یا برادر بدون فرزند پسر مادرش باشد.

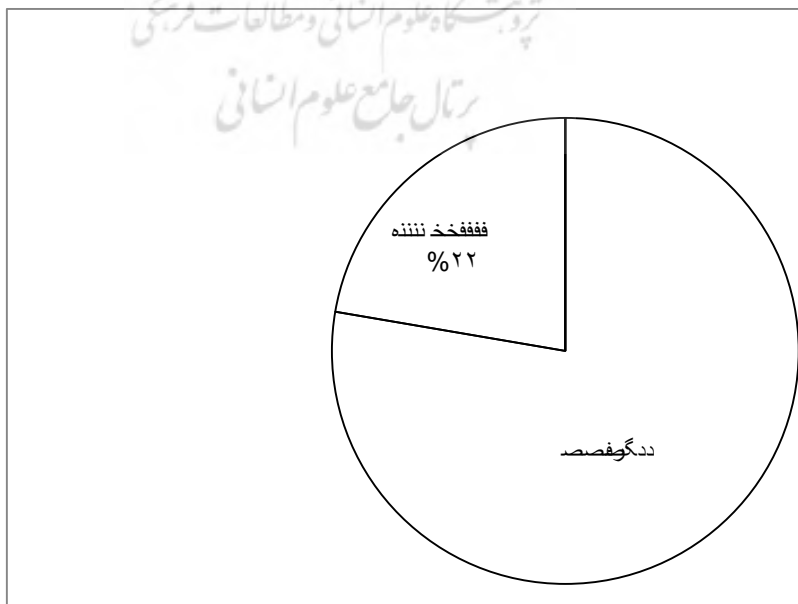
۳- ستر زن مانند ایوک زن است با این تفاوت که به جای پدر یا برادر زن، یکی از خویشان یا هر مرد دیگری پدر نخستین فرزند پسر تلقی می‌شود ۴- چاکر زن، به زن دوم مرد می‌گفتند. ۵- خود سر زن: به دختری می‌گویند که بدون اجازه پدرش ازدواج کند و پدر میتواند او را از ارث محروم کند اما ازدواجش معتبر است.^۸

یک مرد میتواند دارای چندین همسر باشد، اما در اکثر موارد در بین توده، مردان تنها یک زن بیشتر نداشتند و چند همسری تنها بین اشراف و درباریان رواج داشت، خانواده در این دوره مردسالار بود اما زن نقش کلیدی را در خانواده ایفا می‌کرد و وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان بیشتر بر دوش او بود.

اهمیت نهاد خانواده در ارداویرافنامه

همانگونه که پیشتر ذکر شد ارداویرافنامه شامل ۱۰۱ فصل می‌باشد، در این میان ۲۹ فصل از کتاب به خانواده ولزوم پایبندی به قوانین و مقررات آن اختصاص یافته است که نسبت آن به کل، مطابق رابطه $Q = n / N$ برابر ۲۸/۷۱ درصد می‌باشد که خود نشان دهنده اهمیت نهاد خانواده در دین زرتشت می‌باشد.

نمودار ۱: مقایسه درصد اختصاص یافته فصول ارداویرافنامه به نهاد خانواده



نظام قوانین و مقررات خانواده

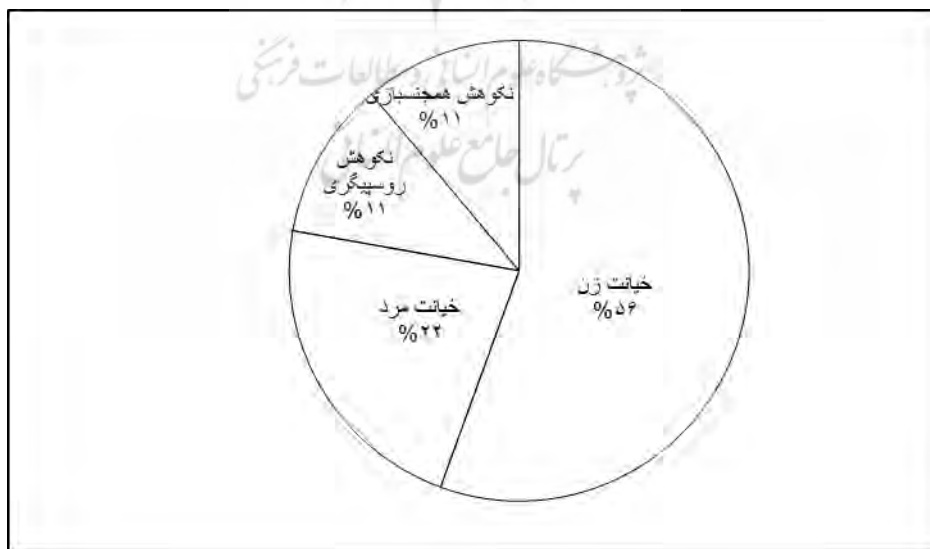
در ارداویرافنامه خانواده با توجه به اهمیت خود به عنوان یک نهاد اجتماعی دارای قوانین و مقرراتی است که تخطی از آنها عقوبتهای سختی را به دنبال می‌آورد، برخی از این چهارچوبها و معیارها عبارتند از:

الف. نکوهش روابط جنسی خارج از ازدواج

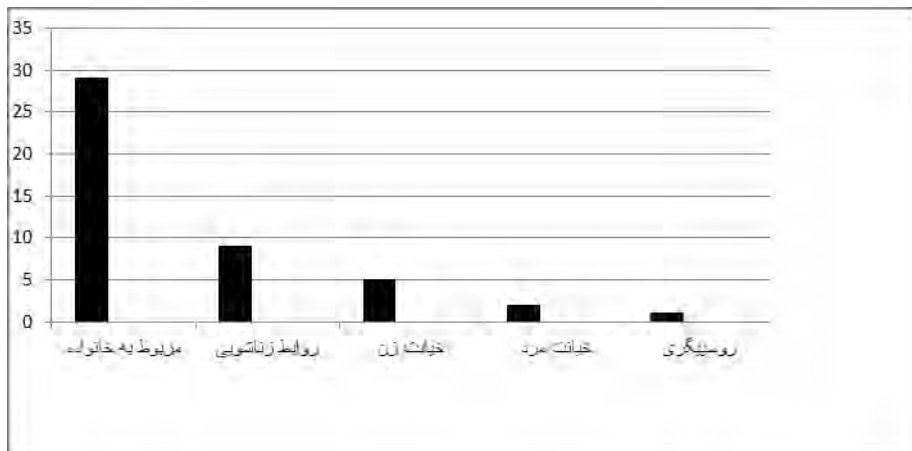
۹ فصل از ۲۹ فصل مربوط به خانواده کتاب درباره چهار چوب روابط خانوادگی و لزوم حفظ معیارهای آن می‌باشد (۳۱ درصد)؛ این خطوط ممنوعه روابط عبارتند از:

- ۱ - خیانت زن به شوهر (۵۵/۵۵ درصد) که میتوان آن را به دو بخش تقسیم کرد: الف - خیانت بدون سقط جنین، فصول ۲۴، ۶۹ و ۸۵ - خیانت به همراه سقط جنین فصول ۷۸ و ۶۴.
- ۲ - خیانت مرد نسبت به زن (۲۲/۲۲ درصد)، فصول ۶۰ و ۸۸.
- ۳- روسپیگری (۱۱/۱۱ درصد)، فصل ۸۱.
- ۴- نکوهش همجنسگرایی (۱۱/۱۱ درصد)، فصل ۱۹.

نمودار ۲: مقایسه درصد اختصاص یافته فصول خانواده ارداویرافنامه به انواع روابط ناپسند جنسی



نمودار ۳: مقایسه درصد اختصاص یافته فصول ارداویرافنامه به نهاد خانواده و روابط جنسی



ب. آداب همسررداری

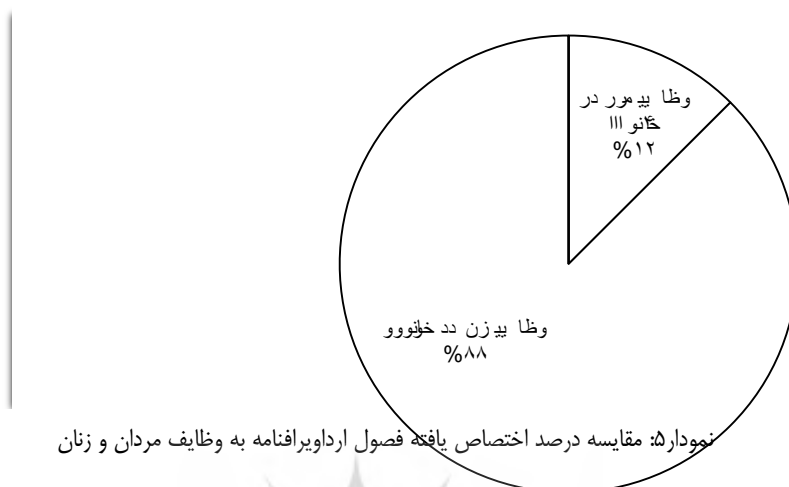
۱۶ فصل از ۲۹ فصل مربوط به خانواده کتاب به ذکر وظایف زن و مرد در خانواده پرداخته است (۵۵/۱۷ درصد).

۱- وظایف مرد در خانواده؛ ۲ فصل (۱۲/۵ درصد) و شامل موارد زیر است: الف - نهی از نپذیرفتن فرزند (فصل ۴۳) ب- لزوم آموزش نیکوکاری به زن (فصل ۶۸).

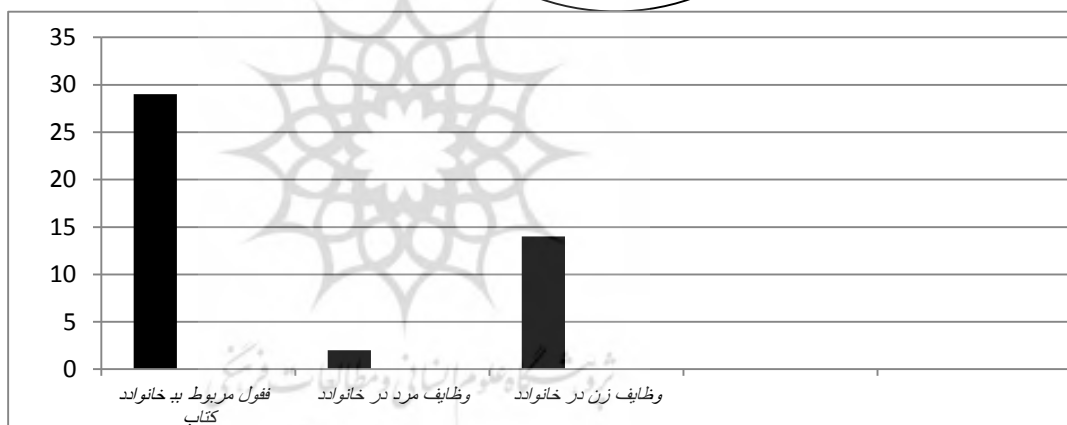
۲- وظایف زن در خانواده؛ ۱۴ فصل (۸۷/۵ درصد) و شامل موارد زیر است: الف - رعایت آداب دشتان یا عادت ماهیانه زنان در فصول ۲۰ و ۲۲. ب - نهی از سقط جنین، در فصل ۴۴. پ- نهی ازرها کردن کودک در فصل ۵۹. ت - نهی از شیر ندادن به فرزند. در فصول ۸۷، ۹۴ و ۹۵. ج - نهی از خودآرایی و تحقیر شوهر، در فصل ۶۲. چ- نهی از بد زبانی و نافرمان و دزد فصول ۶۳ و ۸۲. ح - فرمانبرداری از شوهر و سالار، در فصل ۱۳. خ- نهی از پیمان شکنی با شوهر و خشنود نبودن از شوهر و همخواهی نکردن با شوهر، در فصل ۷۱. ر- نهی پنهانکاری از شوهر، فصل ۸۳. ز- نهی استفاده از رنگ و موی، فصل ۷۳.

همانطور که در نمودار ستونی زیر می‌بینید، نسبت وظایف زن در خانواده چندین برابر بیشتر از وظایف مرد می‌باشد.

نمودار ۴: مقایسه درصد اختصاص یافته فصول نهاد خانواده ارداویرافنامه به وظایف مردان و زنان



نمودار ۵: مقایسه درصد اختصاص یافته فصول ارداویرافنامه به وظایف مردان و زنان



پ. انواع ازدواج و انواع خانواده در ارداویرافنامه

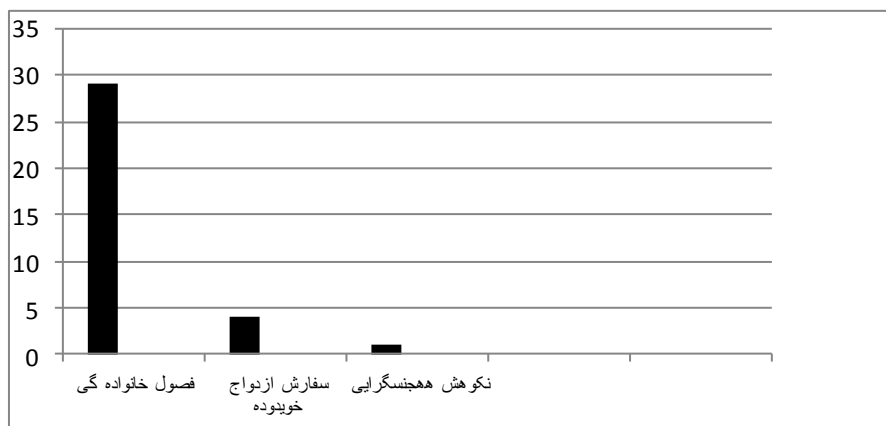
در کتاب اشاره خاصی به انواع ازدواج نشده تنها در ۴ فصل (۷،۲،۸۶ و ۸) به ازدواج خویدوده سفارش شده (۱۳/۷۹ درصد از ۲۹ فصل) ، خویدوده را اغلب مورخین تحت عنوان ازدواج با نزدیکان معنی کرده اند؛ کتابون مزدپور خویدوده را زایش از خود معرفی می‌کند و آن را بازمانده پیمانی مقدس و باستانی می‌داند که بعدا در آیین رسمی امپراتوری ساسانی وارد شده است ریشه اسطوره ای آن داستان زایش اهورا مزدا و اهریمن از زروان می‌باشد^۹ ، اکثر مورخین خویدوده را سفارش به ازدواج فامیلی معرفی می‌کنند، چرا که در منابع گوناگون ساسانی مانند: اندرز آذر باد مهرسپندان، گزیده‌های

زاد اسپرم و زند بهمن یسن، همگی ازدواج با بیگانگان را نکوهش کرده اند و آن را موجب از بین رفتن تبار ذکر کرده اند، و این که مورخین امروز خویدوده را صرفاً ازدواج با محارم می‌دانند، ناشی از ذهنیتی نادرست است که نگاه فقه اسلامی درباره محارم را وارد دیانت زرتشتی می‌کنند، در فقه اسلامی ازدواج با محارم ممنوع و حرام اعلان شده است، خویدوده گستره وسیعتری دارد، خویدوده را می‌توان ازدواج با خویشان معرفی کرد، آنچه که امروزه هم بین روستاییان و عشایر مرسوم است، این ازدواج درون گروهی مانع از بین رفتن ثروت خانواده می‌شود و از ورود بیگانگان به خانواده جلوگیری می‌کند، البته ازدواج بین محارم نزدیک نیز به صورت استثنا وجود داشته است که بیشتر بین اشراف و طبقات بالای جامعه بوده است و عموم جامعه زرتشتی از انجام آن کراهت داشته اند.^{۱۰}

«بنابر این وقتی در شایست و ناشایست می‌خوانیم که خویدودس گناهان بزرگ را از میان می‌برد یا در گزیده‌های زاد اسپرم بر می‌خوریم که خویدوده برای ادامه نسل پاک بهترین کارهای زندگی است و عامل نیک زایی فرزندان، باید در معنی آن تامل بیشتری کنیم»^{۱۱} البته سفارش به ازدواج خویدوده در اوستا وجود ندارد و حتی زرتشت کوچکترین دخترش پورچیستا را به عقد ازدواج جاماسب که بینشان نسبت فامیلی وجود ندارد در می‌آورد.

در ادامه کتاب، چندین بند نکوهش شدیدی نسبت به همجنس‌گرایی شده و این نشان می‌دهد که این نوع ازدواج که امروزه در جوامع مدرن رایج شده است در آن دوره سخت نکوهیده بوده، همچنین با ذکر روابط اعضای خانواده مانند زن و شوهر و فرزندان و پدر بزرگ و مادر بزرگ در کتاب می‌توان پی برد که دو نوع خانواده (هسته ای و گسترده) در آن دوره رایج بوده که هسته اصلی آنها را در درجه نخست ریش سپیدان و سپس مردان بالغ تشکیل می‌دادند.

نمودار ۶: مقایسه درصد اختصاص یافته فصول ارداویرافنامه به نهاد خانواده و ازدواج خویدوده و نکوهش همجنسگرایی



ت. احترام به پدر و مادر

تنها یک بند (فصل ۶۵) از ۲۹ بند بخش خانواده کتاب به لزوم احترام فرزندان به پدر و مادر اشاره دارد (۳/۴۴ درصد)، در این بند مجازات کسانی که در گیتی پدر و مادر خود را آزار می‌دهند و از آنها آمرزش نمی‌خواهند این است که بدنشان در لجن افکنده می‌شود و با داسی تیز اندامشان را پاره می‌کنند.

تنها دلیلی که می‌توان برای کم توجهی ارداویرافنامه به این موضوع ذکر کرد این است که در ارداویرافنامه روابط مابین زن و مرد مهمتر از روابط مابین فرزندان با پدر و مادر دانسته شده است و علت آن نیز این است که اطاعت فرزندان از والدین امری بدیهی بوده که کسی در انجام آن شکی نداشته اما اطاعت زنان از مردان همواره زیر سؤال بوده و بسیاری از زنان از پذیرش آن شانه خالی می‌کردند لذا نویسنده ارداویرافنامه تلاش کرده که با تاکید روی این مساله لزوم اطاعت زنان از مردان را را گوشزد نماید.

ث. جایگاه زن در ارداویرافنامه

فر و شکوه و عظمت هر دین و فرهنگ را باید با احترامی که آن کیش برای زن قائل است اندازه گرفت و سنجید، در گاتاها جایگاه زن و مرد یکسان است آن چنان که زرتشت همواره مردان و زنان را در کنار هم و یکسان پند می‌دهد و جایگاهی مساوی برای آنها در نظر می‌گیرد، چنانکه در گاتاها هات ۵۳ بند سه، زرتشت دختر و دامادش را اینگونه پند می‌دهد: «ای پور چیستا از دودمان هیچدست

و از خاندان اسپنتمان، ای جوان ترین دختر زرتشت، او (جاماسب) را که دارای منش پاک و اندیشه‌ی درست و بلند است، او را که به خداوند بستگی و ایمان ناگسستی دارد، به عنوان همسر و سرور تو برگزیدم... ولی این گزینش من، که پدر تو هستم کافی نیست، بلکه برو با خرد خویش مشورت کن... سخنانی می‌گویم دوشیزگان شوی گزین را و شما دوتن را نیز اندرز می‌دهم، پندم را بشنوید و بدرستی به یاد سپارید...»^{۱۲}

مقام زن، از اوستا تا به متون پهلوی پیوسته رو به افول و نزول نهاده است. شاید مهم ترین دلیل این مسئله را بتوان در سیر تحول نظام الهیاتی این آیین از توحید به ثنویت و از ثنویت به کثرت انگاری ایزدان در دوره ساسانی دانست.^{۱۳}

در ارداویرافنامه بر روی جنبه منفی زنان بیشتر تاکید شده است تا جنبه مثبت آنها، البته همانطور که پیشتر اشاره شد در ارداویرافنامه توجه ویژه ای به زنان شده است و وظایف بی شماری را نیز برعهده آنها گذاشته است، اما این مسئولیت بیشتر زنان در خانواده به هیچ وجه نشان دهنده وجود یک خانواده زن سالار نیست بلکه این مسئولیتها تنها در قبال شوهر و فرزندان است و جایگاه زن در خانواده همواره در رتبه پایین تری نسبت به مرد قرار دارد و این مردان هستند که کدخدای خانه و تصمیم گیرنده اصلی به شمار می‌آیند و هرگونه مخالفت با آنها عقوبتی سخت را در جهانی دیگر به دنبال می‌آورد، همانطور که در بسیاری از متون پهلوی متاخر خود زن نیز به عنوان موجودی اهریمنی نکوهش شده است، بندهش اشاره جالبی دارد مبنی بر اینکه اورمزد ناتوان بود از این که مخلوق دیگری غیر از زن برای فرزند آوری بیافریند، و اگر می‌توانست جز این کند، همان می‌کرد: «...مرا نیز که هرزدم بیازاری، اما اگر مخلوقی را می‌یافتم که مرد را از او کنم، آنگاه هرگز تو را نمی‌آفریدم، که تو را آن سرده پتیاره از جهی است...»^{۱۴}

هر چند که در متون پهلوی زن در رتبه دوم و پس از مرد جای می‌گیرد اما «این همه توان پدر نشانه جامعه ای وحشی نیست، بلکه از جامعه ای حکایت دارد که سازمان دولتش هنوز به قدر کفایت توسعه نیافته و قادر به حفظ نظم نشده است، از این رو چنین خانواده هایی ناچار برای تامین نظم محتاج اقتدارند.»^{۱۵}

در جا به جای فصول ارداویرافنامه نیز این نگاه منفی به زنان مشاهده می‌شود، ارداویراف در سفری که به دنیای پس از مرگ دارد با انبوه زنان و مردانی روبرو می‌شود که به دلایل مختلف به بهشت و

یا دوزخ فرستاده شده اند، بر خلاف مردان که مشاغل و رفتارهایشان ایشان را مستوجب بهشت یا دوزخ می‌کند گناهان و پادافره زنان غالباً مبتنی بر جنسیت آنان بوده است، زنان با دیدی جنسیتی، تنها در موضع زن و غالباً از دید مردان و وظایفی که مردان اجتماع بر دوش آنان نهاده اند به بهشت یا دوزخ فرستاده می‌شوند.

در بهشت که در ابتدای کتاب از آن سخن گفته می‌شود، زنان بسیار حضور ندارند یا اگر هستند در انبوه روان‌های روشن، جنسیت آنان پیدا نیست. اما به ویژه زنانی با اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک حضور دارند که شوهر خود را سالار داشته‌اند. آنان آب را، آتش را، زمین، گیاه، گاو و گوسفند را خشنود کرده اند. ستایش ایزدان به جای آورده‌اند و فرمانبرداری شوهر و سالار خویش را انجام داده‌اند. (فصل ۱۳) می‌دانیم که در دین رسمی زرتشتی «تک شوهری و عفاف زن امری شناخته و پذیرفته و قاطع است و هر چه با آن مبیانت داشته باشد، در چهارچوب معیارها و موازین اخلاقی این دین نمی‌گنجد»^{۱۶} پس مطالب کتاب کاملاً همسو با اعتقادات روحانیون زرتشتی در دوره ساسانی نگاشته شده است.

البته لازم به ذکر است که جایگاه زنان در جامعه ساسانی به موقعیت طبقاتی آنان نیز بستگی داشت، زنان طبقه بالا نظیر ملکه و مادر شاه در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود آزاد تر بودند و مهرهای بر جای مانده از آنها اهمیت ایشان را نشان می‌دهد، زنان عادی جزو اموال مرد محسوب می‌شدند و بهای معینی (پانصد استر) داشتند، بسیاری از احکام دینی ارداویرافنامه علیه زنان مربوط به زنان عادی و غیر اشرافی است، به نظر می‌رسد روحانیون زرتشتی جنس زن را به طور کلی ناچیز و در خدمت جامعه مرد سالار و شهرنشین عهد ساسانی می‌پنداشتند اما مصادیق آن را متفاوت ارزیابی می‌کردند، بنابر این بحث روشنی درباره جایگاه زنان در جامعه ساسانی نمی‌توان کرد.

ج. جایگاه مردان در ارداویرافنامه

بر خلاف جایگاه پایین زنان در ارداویرافنامه مردان در کتاب از جایگاهی برتر و بالاتر برخوردارند و سرور و سالار و پایه و ستون خانواده به حساب می‌آیند: «زیرا ما هفت خواهریم و یک برادر و هر هفت خواهر آن برادر را زن هستیم چون سقفی با هفت تیر که یک ستون در زیر آنها نهاده شده است و چون آن ستون را بگیرند این هفت تیر می‌افتند، این چنین است ما هفت خواهر این یک برادر را داریم که زندگی و نگهداری ما از اوست»^{۱۷} این ذکر سالاری و برتری مردان که نشانگر یک خانواده

مرد سالار می‌باشد در بسیاری از فصلهای کتاب در ضمن ذکر دلایل عقوبت اخروی زنان تکرار شده است از جمله در فصل سیزدهم کتاب از روان زنانی سخن می‌گوید که فرمانبرداری شوهر کرده اند و به پاداش آن جامه هایی زینت یافته از زر و سیم و گوهر بر تن آنها پوشانده شده است و در فصل ۶۲ کتاب از مجازات سنگین روان زنی سخن می‌گوید که سینه و پستان خود را شانه آهنی می‌برید پادافره این گناه که در گیتی شوهر و سالار خود را تحقیر کرده بود و در فصل ۷۰ از مجازات روان زنانی سخن می‌گوید که «در گیتی با شوهرشان پیمان شکنی کردند و شوهرشان را رها کردند و هرگز خشنود نبودند و تن به هم خوابگی ندادند»^{۱۸} البته این نگاه مردسالارانه در دیگر متون پهلوی نیز مشاهده می‌شود.

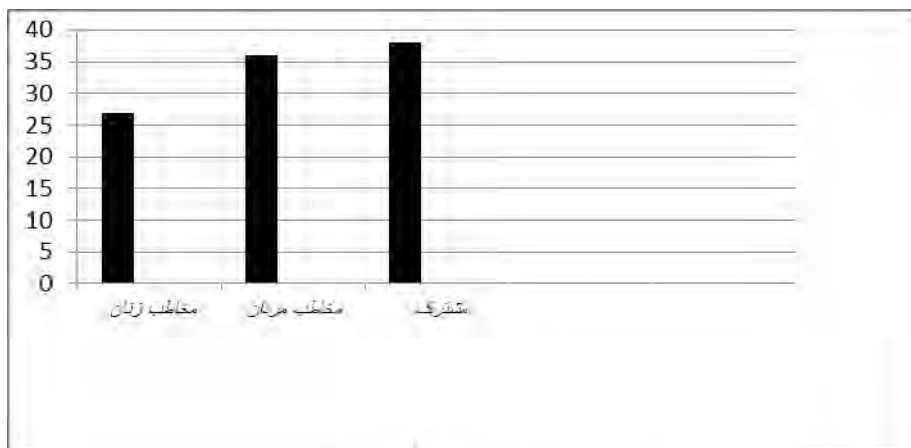
«فرمانروایی مرد بر پادشاه زن چنین است که هر چه در مورد کارش فرماید باید که بکند، اگر زن بدان زمان از شوهر گله کند، پس بی احترامی نسبت به فرمانروایی او است... اگر زنی سه بار به شوهر گوید که زنی تو نکم، پس مرگ ارزان است»^{۱۹}

این نشان می‌دهد که آبشخور و منبع آنها یکیست و مطالب کتاب عقیده فرد خاصی نیست بلکه منعکس کننده عقاید مشترک جامعه مذهبی ایران در دوره ساسانیست.

البته لازم به ذکر است که مردان در کنار سالاری و فرمانروایی خانه وظایفی نیز بر دوش داشتند، از جمله این وظایف که در فصل ۶۸ کتاب اشاره شده است می‌توان به: آموزش دینی به زنان تامین خوراک و پوشاک و نگهداری از زنان و ... اشاره کرد.

«داماد گذشته از آن که ضمانت می‌کند که با همسر خود برابر با پایه و شانی که او دارد رفتار کند و او را کدبانوی خانه بداند، خوراک و پوشاک او را فراهم سازد و فرزندی را که او می‌آورد فرزندان و جانشینان خود بشناسد، متعهد می‌گردد که هر گاه بخواهد از همسر خود جدا شود کابین او را که ۳۰۰۰۰ درهم نقره است بپردازد»^{۲۰}

نمودار ۷: مقایسه درصد خطاب به زنان و مردان در ارداویرافنامه



نتیجه گیری:

نتایج حاصله از این تحقیق در شش بند دسته بندی شده است، لازم به ذکر است که این نتایج متکی بر آمار استخراج شده از متون کتاب بوده و بیشتر بر جنبه آماری کتاب متکی است و لذا به تنهایی نمی تواند تصویر کاملا روشنی از نهاد خانواده در ارداویرافنامه ارائه نماید، این تصویر تنها بخشهایی از این نهاد را در برمی گیرد که قابل آمارگیریست و برای رسیدن به یک تصویر روشن و جامع باید نهاد خانواده را از ابعاد گوناگون (روانی، اجتماعی، دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و...) مورد بررسی قرار داد.

از یافته های این تحقیق میتوان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- اهمیت زن در نظام خانواده:

همانگونه که پیشتر اشاره کردیم نسبت وظایف زنان در خانواده نسبت به مردان بسیار بیشتر می باشد که این خود نشان دهنده این است که نقش زن در خانواده در زمان نگارش کتاب بسیار حیاتی و کلیدی بوده و زن لازمه حفظ بقای خانواده بوده است.

۲- پدر سالاری در خانواده:

۷ بند از ۲۹ بند خانواده گی کتاب (۲۴/۱۳ درصد) به لزوم تبعیت زنان از مردان اشاره می‌کند، که این نشان دهنده نوع نگاه مردسالارانه در خانواده ساسانی می‌باشد.

۳- اهمیت نهاد خانواده:

با توجه به مجازاتهای سختی که در کتاب برای تعدی از حریم خانواده لحاظ شده و همچنین نسبت فصول مربوط به خانواده کتاب (۲۸/۷۱ درصد) می‌توان پی برد که حفظ نظام خانواده در دین زرتشت در زمان نگارش کتاب بسیار مهم بوده است.

۴- نوع ازدواج:

تنها شکل ازدواج پذیرفته شده و ذکر شده در کتاب ازدواج رسمی بین دو زن و مرد بالغ می‌باشد که نسبت به یکدیگر وظایفی دارند و خیانت هریک از آن دو به یکدیگر موجب لطمه خوردن به نهاد خانواده می‌شود، ازدواج بین دو همجنس در کتاب نکوهش شده و مجازات سنگینی برای آن در نظر گرفته شده است، همچنین در ۴ بند از کتاب به ازدواج خویدوده سفارش شده است که این خود نشان دهنده تالیف اولیه کتاب در دوره ساسانیست چرا که پس از اسلام زرتشتیان به تبعیت از مسلمانان ازدواج خویدوده را طرد کردند.

۵- لزوم آموزش خانواده:

در فصل ۶۸ کتاب از مردی سخن رفته که خودش به بهشت میرود و زنش به دوزخ و ضمن رد و بدل شدن سخنانی بین آن دو مرد پشیمان می‌شود که چرا راه درست زیستن را به همسرش نیاموخته است، این تنها فصل کتاب درباره لزوم آموزش خانواده (۳/۴۴ درصد) آن هم از طرف مرد می‌باشد.

۶- حفظ معیارهای اخلاقی در خانواده:

همه اعضای خانواده باید از یک سری معیارهای اخلاقی تبعیت کنند و گرنه با عقوبت سنگینی در جهان بالا مواجه خواهند شد، معیارهایی مانند: - احترام به پدر و مادر - بدزبانی نکردن زن به مرد - خیانت نکردن در ازدواج از هر دو طرف - لزوم شیر دادن و پرورش فرزند از سوی والدین - ممنوعیت آرایش زن در خانه - رعایت آداب دستان (ماهیانگی) توسط زنان - نهی سقط جنین - نهی همجنسگرایی - نهی زنای محصنه و غیر محصنه و نهی فاحشه گی - نهی از پیمان شکنی با

شوهر و خشنود نبودن از شوهر و همخوابگی نکردن با شوهر و پنهانکاری از شوهر و تحقیر شوهر و دزدی از شوهر.

پس با توجه به نتایج بالا فرضیه تحقیق اثبات می‌شود و می‌توانیم ادعا کنیم که نهاد خانواده در ارداویرافنامه مطابق مطالب مندرج در کتاب کاملاً منطبق و همسو با نهاد خانواده در دوره ساسانی است و این اندیشه را استوار می‌کند که کتاب ارداویرافنامه می‌تواند به عنوان یک منبع معتبر جهت معرفی دوره ساسانی مورد استفاده محققین قرار گیرد.

در پایان پیشنهاد می‌گردد که دیگر ساختارها و نهادهای این کتاب نیز مورد تحقیق و بررسی دقیق محققین قرار بگیرند و اطلاعات پنهان در آنها استخراج شود تا بتوانند سیمای روشن تر و جامع تری از جامعه ساسانی به ما ارائه بدهند.



پی نوشت ها

- ^۱ تفضلی، احمد، (۱۳۷۶). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: سخن، ص ۹۱.
- ^۲ جعفری دهقی، محمود، (۱۳۸۲). بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان، تهران: سمت، ص ۲۴۰.
- ^۳ ربیع زاده، علی، (۱۳۹۶). ارداویرافنامه در ترازوی نقد، دامغان: گلبانگ شرق، صص ۱۸۵-۱۹۴.
- ^۴ عضدانلو، حمید، (۱۳۸۴). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی، تهران: نی، ص ۲۷۲.
- ^۵ مور، استفن، (۱۳۷۶). دیپاچه ای بر جامعه شناسی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس، ص ۳۳.
- ^۶ دوستخواه، جلیل، (۱۳۸۵). اوستا، تهران: مروارید، ج ۱، ص ۳۳۲.
- ^۷ مزدایور، کنایون، (۱۳۸۹). «بررسی چند اصطلاح فارسی میانه درباره خانواده»، فصلنامه علمی پژوهشی زبان شناخت، سال اول، شماره اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۱۴.
- ^۸ مزدایور، کنایون، (۱۳۶۹). حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران، تهران: امیر کبیر، دفتر اول، ص ۸۲.
- ^۹ مزدایور، کنایون، (۱۳۶۹). شایست و ناشایست، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۲۳۵.
- ^{۱۰} خادم ازغدی، مریم، (۱۳۹۳). «خویدوده در شواهد تاریخی»، پژوهشنامه ادبی حماسی، سال ۱۰، شماره ۷، ص ۵۰.
- ^{۱۱} رجبی، پرویز، (۱۳۸۰). هزاره های گمشده، تهران: توس، ص ۴۵۶.
- ^{۱۲} دوستخواه، جلیل، (۱۳۸۵). اوستا، تهران: گلشن، ج ۱، ص ۸۶.
- ^{۱۳} جعفری، ابوالقاسم، (۱۳۹۳). «زن در هستی شناسی زرتشتی محبوب یا منفور»، فصلنامه علمی - پژوهشی معرفت ادیان، سال ششم، شماره اول، ص ۱۱۹.
- ^{۱۴} دادگی، فرنیخ، (۱۳۸۵). بندهش، ترجمه و تصحیح مهردادبهار، تهران: توس چ ۳، ص ۸۳.
- ^{۱۵} مزدایور، کنایون، (۱۳۶۹). حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران، دفتر اول، ص ۱۷۵.
- ^{۱۶} لاهیجی، شهلا، (۱۳۷۱). شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش تاریخ و تاریخ، تهران: روشنگران، ص ۲۹۴.
- ^{۱۷} آموزگار، ژاله، (۱۳۷۲). ارداویرافنامه، تهران: معین، ص ۴۶.
- ^{۱۸} همان، ص ۸۶.
- ^{۱۹} میرفخرایی، مهشید، (۱۳۹۰). روایت پهلوی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۲۸۸.
- ^{۲۰} یار شاطر، احسان، (۱۳۸۰). تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، ترجمه حسن انوشه تهران: امیر کبیر، جلد سوم، قسمت دوم، چاپ دوم، ص ۹۴.